

مجموعه مقالات

کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم

شماره ۳۱
۱۳۹۲



جلد دوم

نشانی: مازندران، بابلسر، خیابان پاسداران، سازمان مرکزی
دانشگاه مازندران، مرکز رشد واحدهای فناوری دانش بنیان،

شرکت پژوهشی طرود شمال

کدپستی: ۴۷۴۱۶۱۳۵۳۴

تلفن: ۳-۱۱۲۵۲۵۹۶۵۱

فکس: ۱۱۲۵۳۴۳۶۷۱

ایمیل: con@toroudshomal.com

وبسایت: http://con.toroudshomal.com

http://tv.toroudshomal.com



کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم

۳۱ شهریور ۱۳۹۲

بابلسر / مازندران / ایران

۳۱ شهریور ۱۳۹۲

شرکت پژوهشی طرود شمال



سرشناسنامه: طرود شمال

مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم/

نشر الکترونیکی طرود/ مازندران/ بابلسر/ شهریور ۱۳۹۲

.. صفحه/ مصور، نمودار

شماره نشر الکترونیکی طرود: ت/۱/۳۳۴۸-۷۸۵۲

موضوع: تحریم



نشانی: مازندران، بابلسر، خیابان پاسداران، سازمان مرکزی دانشگاه مازندران، مرکز رشد واحدهای فناوری دانش بنیان،

شرکت پژوهشی طرود شمال. <http://con.toroudshomal.com>

کدپستی: ۴۷۴۱۶۱۳۵۳۴ تلفن: ۳-۰۱۱۲۵۲۵۹۶۵۱ فکس: ۰۱۱۲۵۳۴۳۶۷۱

مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی اقتصاد در شرایط تحریم،

ویراستار: زهرا یحیی تبار

* چاپ الکترونیک، شهریور ۱۳۹۲ * تعداد نسخه * قیمت رایگان

* نشر الکترونیکی طرود * ناظر نشر الکترونیکی: فاطمه یحیی تبار، عصمت السادات طاهری

شماره نشر الکترونیکی طرود: ت/۱/۴۸۷۸-۵۲۵۴

۷۱-۲۴۶۱

تأثیر تحریم ها بر بخش بانکداری، تجارت و انرژی در ایران

تقی ابراهیمی سالاری، استادیار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد، ebrahimi.profcms.um.ac.ir
مهسا شهابی کاسب، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، mshahabi_2005@yahoo.com
فاطمه احمدی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد، fa.ahmadi86@yahoo.com

چکیده :

تحریم اقتصادی، ابزاری برای نیل به اهداف سیاسی است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تا کنون آمریکا بارها از این ابزار علیه ایران استفاده کرده است و در فاصله سال های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸، با برگزیدن سیاست خصومت با ایران سعی در تضعیف اقتصاد کشور ما داشته است. در این مقاله به بررسی تاثیرات تحریم های اقتصادی بر سه بخش انرژی، تجارت و نظام بانکی ایران پرداخته می شود. بعد از اعمال تحریم های مختلف در حوزه های مذکور آثار زیر نمایان شده است :

۱. علی رغم تحریم های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم ها اثرپذیر نبوده و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می دهد.

۲. از سال ۲۰۰۷ به بعد و با تشدید تحریم ها قیمت کالاهای سرمایه ای (ماشین آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافته است.

۳. هرچند اعمال تحریم های پی در پی و در فواصل زمانی کوتاه، موجب اثرپذیری نظام بانکی از این تحریم های مالی شده است، اما به مرور زمان بانک های ایرانی با برنامه ریزی و مدیریت بهینه این تحریم ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده اند و اجازه نداده اند وجهه بین المللی آن ها دچار آسیب شود.

همچنین در انتها چند توصیه سیاستی برای مقابله با تاثیرات تحریم های احتمالی پیشنهاد می گردد.

کلید واژه : تحریم اقتصادی، بخش انرژی، بخش تجارت، نظام بانکداری

مقدمه

تحریم عبارت است از عمل هماهنگ به وسیله گروهی که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری یا هر گونه رابطه ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان ها باشد؛ تحریم اقتصادی نیز عبارت است از موضع گیری هایی که تعدادی از کشورها با هدف ایجاد محدودیت در تجارت و رابطه رسمی با کشوری که از نظر آن ها قوانین بین المللی را نادیده می گیرد، اتخاذ می شود (صادقی یارندی و طارم سری، ۱۳۸۵). اغلب این تحریم ها علیه یک کشور برای مقابله با سیاست ها و برنامه های آن تفسیر می شود. در واقع تحریم از موضع گیری شروع و سپس عملیاتی می شود (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

به گفته گلیپین، تحریم اقتصادی به معنای مداخله گری در روابط اقتصادی با اغراض سیاسی است (Merom, 1990). الکساندر جورج^۱ (۱۹۹۳) نیز معتقد است، تحریم اقتصادی نوعی دیپلماسی اجبار است که در آن آمیزه ای از زور و دیپلماسی به صورتی هدفمند استفاده می شود تا دشمن را که به دنبال تغییر وضع موجود است، و یا هم اکنون وضع موجود را دگرگون ساخته است، وادار نماید تا در تصمیم خود تجدید نظر کند.

¹-George Alexander

تحریم اقتصادی اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه تمکین در برابر خواست کشور تحریم کننده، کمتر از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی علیه آن کشور است (Elliot, 2003). بنابراین، نظریه های تحریم اقتصادی با قدرت اقتصادی کشورها، دارای رابطه مستقیم است (Merom, 1990). مفروض اصلی این نظریه ها این است که کشور تحت تحریم به ناچار از مواهب رفاه اقتصادی محروم می‌شود و در نتیجه به خواست کشور یا کشورهای تحریم کننده، تن می‌دهد (Bergijk, 1989). در واقع در این چارچوب است که طرفداران تحریم، مبانی نظری خود را تنظیم می‌کنند (Cortright & Lopez, 1995).

در دهه های اخیر استفاده از تحریم های اقتصادی به شدت افزایش یافته است و از این شیوه به عنوان ابزار سیاست خارجی انتخابی برای برخی از کشورها استفاده می‌شود. از لحاظ نظری روش کار تحریم ساده است به طوری که کشور تحریم شونده، هزینه هایی را بابت اعمال برخی محدودیت های کشور تحریم کننده متحمل می‌شود. لذا کشورهای تحریم شونده به دلیل اجتناب از چنین هزینه هایی، رابطه مطلوب و مستقیم خود را با کشورهای تحریم کننده تغییر می‌دهند. البته این نظریه در عمل به ندرت محقق می‌شود. شواهد تجربی معدودی وجود دارد که در صورت تحریم، کشورهای هدف به طور معناداری رفتار خود را تغییر دهند. در این باره کارشناسان معتقدند که عمدتاً تحریم ها شامل یک پیام برای جامعه جهانی است و منجر به انحراف برخی رفتارها می‌شود (petrescu, 2008).

آمریکا به دلیل آن که کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای دوسوم ذخایر نفت و گاز جهان می‌باشند، حفظ سلطه خود را بر این کشورها از نظر استراتژیک بسیار مهم می‌داند و همواره بدان توجه دارد. اما در سال ۱۹۷۹ (هم زمان با آغاز جمهوری اسلامی) ایران این امر را مورد نقد و اعتراض قرار داد. در واکنش به این موضوع، آمریکا تحریم های اقتصادی را بر ایران به منظور تغییر رفتار دولت ایران تحمیل کرد. ابتدا این تحریم ها در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر آغاز شد و از آن زمان تا کنون کم و بیش در شکل های مختلف ادامه داشته است. کلینتون در دوره ریاست جمهوری خود تحریم های اقتصادی و محدودیت های دو جانبه ای را برای ایران و عراق وضع کرد. در آوریل ۱۹۹۵ وی تحریم ها را با تنظیم بیانیه جامعی برای منع سرمایه گذاری و تجارت با ایران تشدید کرد. دلیل رسمی که آمریکا برای چنین تحریم هایی به کار می‌برد آن است که ایران از چنین سرمایه گذاری ها و کالاهای تجاری برای حمایت از تروریسم و دستیابی به سلاح هسته ای و همچنین حمایت از گروه های افراط گرا و خشن برای برهم زدن فرآیند صلح خاورمیانه استفاده می‌کند. این دلایل تعجب بسیاری از ناظران و تحلیلگران را برانگیخت زیرا به نقض حقوق بشر در ایران، که همواره مورد توجه آمریکا و کشورهای غربی بوده، اشاره ای نشده است (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹). با توجه به ضرورت بررسی و مطالعه آثار و جنبه های مختلف تحریم در این مقاله به تاثیرات تحریم های اقتصادی بر بخش های مختلف از جمله بخش صنعت، انرژی و بانکداری ایران بعد از دهه ۱۹۹۰ پرداخته می‌شود.

طبقه بندی تحریم های اقتصادی

تحریم های اقتصادی اغلب در دو شکل اساسی ذیل اعمال می‌شود:

۱- تحریم های تجاری

مهم ترین موارد تحریم های تجاری عبارتند از:

۱. سهمیه بندی، تحدید و توقف کلی صادرات و واردات؛
۲. سیاست تبعیض آمیز تعرفه ای، شامل رد همکاری بیشتر با هدف و پذیرش امتیاز تعرفه ای عمومی؛
۳. تعلیق و لغو موافقت نامه های تجاری و پروژه های مشترک و ممنوع کردن صادرات تکنولوژی؛
۴. تهیه لیست سیاهی از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف؛
۵. قطع، تعلیق و لغو کمک های فنی و برنامه های آموزشی.

۲- تحریم های مالی

تحریم های مالی نیز به یکی از اشکال زیر اعمال شدنی است :

۱. ممنوعیت بیمه ها و سایر خدمات مالی؛
۲. مالیات بر صادرات کشور؛
۳. ایجاد محدودیت مالی و بانکی؛
۴. تحریم نفل و انتقالات مالی؛
۵. مسدود کردن دارایی های خارج کشور؛
۶. ایجاد ممنوعیت در فروش نفت خام و واردات و فرآورده های نفتی؛
۷. ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور؛
۸. ایجاد موانع در جذب سرمایه گذاری خارجی (موسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷).

اهداف تحریم

تحریم های اقتصادی عبارت از مجازات و یا دست کاری در روابط و همکاری های اقتصادی به منظور تامین اهداف سیاسی است. در واقع تحریم اقتصادی یکی از ابزارهای زیر مجموعه سیاست خارجی است که این امکان را فراهم می آورد تا کشور یا کشورهایی مقاصد سیاسی خود را نسبت به کشور هدف به هنگام بروز اختلاف دنبال کنند. تحریم های اقتصادی از نظر هدف، دو نوع هستند : اول، تحریم اقتصادی به منظور بی ثبات کردن رژیم سیاسی کشور هدف است که در واقع برگرفته از تضاد در منافع استراتژیک کشور تحریم کننده و کشور هدف می باشد. این نوع تحریم برای تغییر رژیم کشور هدف است. دوم، تحریم اقتصادی برای تغییر رفتار سیاسی یا اقتصادی کشور هدف صورت می گیرد. این نوع تحریم به مراتب ملایم تر از نوع اول است. زمانی که کشورها به دنبال تغییر رژیم کشوری هستند، تحریم نوع اول اعمال می شود با این هدف که لطمه ای سنگین به منافع کشور هدف وارد آید. در واقع این نوع تحریم، عملاً تحریم اقتصادی جایگزین جنگ است و گزینه ماقبل جنگ تلقی می شود.

به نظر باربر^۱ (۱۹۷۹) تحریم های اقتصادی می تواند به دلایل متفاوتی صورت پذیرد. از مهم ترین دلایل آن می توان به رفتار و عمل دولت ها در مقابل کشور تحریم شونده، انتظارات آتی دولت های تحریم کننده و دیدگاه های بین المللی اشاره کرد که به ساختاری کلی بین الملل و یا بخشی از ساختار بین المللی مرتبط است.

اعمال تحریم با توجه به تعداد شرکت کنندگان به سه نوع : یک جانبه^۲، چند جانبه^۳ و جامع (فراگیر)^۴ طبقه بندی می شود. تحریم یک جانبه اغلب اوقات فقط به یک کشور محدود می شود. در این حالت، تحریم را فقط یک کشور در مقابل کشور دیگر انجام می دهد. در حالت چند جانبه، تحریم ها بیش از یک کشور صورت می پذیرد. در این صورت، ممکن است که دیگر کشورها، از کشور پیش رو در تحریم پیروی کنند و در نهایت تحریم جامع، همه کشورها در آن درگیر خواهند شد. لازم به ذکر است که انتخاب تنبیه اقتصادی می تواند از طریق چارچوب یک سازمان بین المللی نظیر شورای امنیت صورت پذیرد.

شیوه اعمال تنبیه های اقتصادی (تحریم) می تواند به روش بایکوت، توقیف و مالی انجام پذیرد. بایکوت، در واقع به ممنوعیت واردات یک کالا یا چند کالا از کشور هدف اطلاق می شود. این نوع تحریم باعث کاهش تقاضا برای کالاهای مهم صادراتی کشور هدف می شود. این نوع تحریم به کاهش درآمد ارزی و در نتیجه کاهش توانایی کشور هدف، برای خرید کالاهای اساسی مورد نیاز منجر می گردد. با استفاده از این نوع تحریم می توان به برخی از صنایع خاص که نیازمند واردات کالاهای اساسی برای ادامه تولید هستند،

¹ - Barber

² - Unilateral

³ - Multilateral

⁴ - Comprehensive

آسیب وارد کرد. این سیاست به دلیل آن که کشور هدف قادر خواهد بود با دسترسی به دیگر بازارها و یا کشورهایی که از چنین تحریم‌هایی پیروی نمی‌کنند یا با ترفندهای گوناگون از تحریم عبور می‌کنند به تامین کالای خود بپردازد، کارایی لازم را ندارد. شیوه تحریم از طریق توقیف، صادرات کالاهای مهم به کشور هدف را تحریم می‌نماید. این روش، ابزار رایج و گسترده‌ای است که برای تنبیه کشور تحریم‌شونده استفاده می‌شود. البته این نوع ممنوعیت در صادرات، ممکن است جزئی یا کامل باشد، در نهایت، تحریم مالی، وام‌دهی و یا سرمایه‌گذاری؛ کشور هدف را تعلیق و یا محدود می‌کند. همچنین کشورهای تحریم‌کننده می‌توانند محدودیت‌های مضاعفی را بر پرداخت‌های بین‌المللی کشور هدف، نظیر مسدود کردن دارایی‌های خارجی برای اعمال فشار بیشتر انجام دهند (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹).

تحریم‌هایی که برای وصول به هدف اعمال می‌شود مبتنی بر نوعی از عقلانیت است. تحریم‌های دارای عقلانیت خود بر دو نوع است : ۱. اجبارکننده^۱؛ ۲. کنترل‌گرایانه^۲

این دو نوع تحریم، از سه جنبه با هم متفاوت هستند : ۱. هدف؛ ۲. مخاطب؛ ۳. نحوه اجرا (مثلاً آشکار یا پنهان و یا آمیزه‌ای از آشکار و پنهان) فرض در تحریم‌های اجباری این است که طبقه خاصی از جامعه یعنی نخبگان دولتی هدف هستند. البته نظریه پردازان تحریم بر این عقیده هستند که هرچه قدر تحریم، هوشمند باشد و تنها نخبگان را هدف قرار دهد، این مردم عادی هستند که در نهایت تحت فشار قرار خواهند گرفت. تمایز دوم این که تحریم اجباری آشکارا اعمال می‌شود، ضمناً هدف اصلی تحریم اجباری تغییر رفتار است.

اما در تحریم کنترل‌گرایانه، هدف اصلی، تغییر رژیم و بی‌ثبات‌سازی است. از این رو مخاطب اصلی آن هم مردم عادی هستند. به لحاظ عملیاتی نیز تحریم کنترل‌گرایانه آمیزه‌ای از رفتار آشکار و عملیات پنهانی است. همچنین، تحریم اقتصادی با هدف تغییر رژیم یک مفروض اساسی دارد : وابستگی اقتصادی، منجر به ناآرامی و شورش سیاسی می‌شود. بنابراین اگر این وابستگی تشدید شود، زمینه بی‌ثباتی و در نهایت تغییر حکومت فراهم می‌شود. بر پایه این بحث در ورای ذهن معتقدین به موثر بودن تحریم با هدف تغییر حکومت، نظریه وابستگی از نوع مارکسیستی وجود دارد؛ نظریه‌ای که اقتصاد را زیربنا و عامل اصلی رفتار اجتماعی - سیاسی می‌داند. بر پایه این تحلیل هرچه کشور تحریم شده وابستگی بیشتری به اقتصاد بین‌الملل و یا به کشور اعمال‌کننده تحریم داشته باشد، احتمال موفقیت تحریم بیشتر می‌شود. با این حال، در کنار مکتب مارکسیستی وابستگی، مکتب آمریکای لاتین قرار دارد. از دید چپ‌های آمریکای لاتین، این مفروض که رابطه مستقیمی میان وابستگی اقتصادی و انگیزه‌های سیاسی افراد وجود دارد صحت ندارد. شاهد مثال این که معمولاً تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا در قبال کشورهای بوده است که وابستگی اقتصادی آن‌ها نیز به آمریکا زیاد بوده است؛ مانند کوبا و شیلی و یا ایران در اوایل انقلاب اسلامی. این در حالی است که حکومت آینده در شیلی با وجود آن که وابستگی اقتصادی کمتری در مقایسه با کوبا به آمریکا داشت، دچار بی‌ثباتی و در نهایت سرنگونی گردید ولی نظام سیاسی کوبا همچنان برقرار ماند (زهرائی، ۱۳۸۷).

مطالعات تجربی

ادبیات تحریم به ارزیابی تاثیر پذیری تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه و همچنین هزینه‌های آن برای کشورهای اعمال‌کننده و گیرنده تحریم می‌پردازد. در این زمینه هافبائر، اسکات و الیوت^۳ (۱۹۹۰) و ریکارد دی فارمر^۴ (۲۰۰۰) مطالعاتی را انجام داده‌اند. برخی از محققان نظیر الیوت، هافبائر، ایتن، ایگرز و لوی به طور کلی سیاست‌های تحریم بعد از جنگ سرد را موثر نمی‌دانند. برخی دیگر مانند کورترایت و لوپز^۵ (۲۰۰۲) معتقدند زمانی که کشوری هدف خاصی را دنبال می‌کند تحریم می‌تواند ابزار سیاست خارجی موثری باشد.

1-Corective

2-Manipulative

3-Hufbauer, Schott and Elliot

4-Richard D. Farmer

5-Cortright and Lopez

فرضیه تحریم را اولین بار گالتونگ^۱ (۱۹۶۷) برای بیان اعلام نارضایتی و بازداشتن برخی از رفتارهای کشورهای بیان کرد. چن^۲ (۲۰۰۰) نظریه تحریم را گسترش داد و بیان کرد که تحریم یک روش ارسال پیام به دیگر کشورهاست که باید رفتار مشابهی را با کشور هدف داشته باشند. لیندسی (۱۹۸۶) معتقد است که چهار هدف ممکن تحریم های اقتصادی عبارت اند از: اجابت، انهدام، تغییر رفتار داخلی و تغییر رفتار بین المللی.

درباره تاثیرات تحریم، مطالعات متعددی انجام شده است. دراری و پارک (۲۰۰۴) تاثیر تحریم های اقتصادی بر احتمال وقوع حادثه حمله نظامی میان کشور تحریم کننده و تحریم شونده را مطالعه و بررسی کرده اند. این محققان مشاهده می کنند که تحریم مکمل مناقشات نظامی است و نه جانشین آن. با پیروی از این رویکرد پترسکو^۳ (۲۰۰۸) نشان می دهد که تحریم های اقتصادی به میزان ۹ درصد احتمال حمله نظامی میان دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده را کاهش می دهد. مطالعات متعددی وجود دارد که احتمال مناقشات نظامی را پیش بینی می کند. چویی و همکاران (۲۰۰۶)، دیکسون (۱۹۹۴)، فیرون (۱۹۹۴)، مواسیو (۱۹۹۸)، انیل و همکاران (۱۹۹۷، ۱۹۹۶، ۲۰۰۳) و ریموند (۱۹۹۴) عقیده دارند که کشورهای مبتنی بر دموکراسی به احتمال کمتری درگیر مناقشات بین المللی می شوند (petrescu, 2008).

مطالعات متعددی به طور خاص به بررسی اثر بخشی تحریم ها در ایران پرداختند. آموزگار (۱۹۹۷) در مطالعه ای نشان می دهد که تحریم های آمریکا نتایج قابل انتظاری به همراه نداشته است به طوری که هیچ گونه تغییری در مواضع ایران صورت نپذیرفته است. کلاوسن (۱۹۹۹) در مطالعه ای به ارزیابی اثر خالص تحریم های اقتصادی آمریکا بر ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۰ پرداخته است به طوری که اثر خالص آن را منفی ارزیابی می کند. وی اثر تحریم تجاری بر ایران را در دامنه ۷۰۰ الی ۱۳۰۰ میلیون دلار و اثر هزینه ای تحریم مالی ایران را بین ۸۰۰ تا ۱۳۰۰ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع همه هزینه های تحریم بر ایران را در دامنه ۱۵۰۰ الی ۲۶۰۰ میلیون دلار در سال ارزیابی می کند. لذا نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ در دامنه ۵/۳ الی ۹/۱ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی در فاصله ۲/۱ الی ۳/۶ درصد و هزینه سرانه تحریم در دامنه ۲۳/۴ الی ۴۰/۵ برآورد می شود. وی نتیجه می گیرد که با وجود این گونه خسارت های اقتصادی، چنین تحریم هایی نتوانسته است ایران را به تغییر رفتار در دستیابی به اهدافش وادار کند. وی پیشنهاد کرده که آمریکا باید تحریم های یک جانبه را رها سازد. علیخانی (۲۰۰۰) تاثیر تحریم ها علیه ایران را از نظر سیاسی و تاریخی بررسی و مشاهده کرده است که اثر پذیری و نفوذ چنین سیاستی برای ایران با شکست مواجه شده است.

عسگری و همکاران (۲۰۰۱) تاثیرات اقتصادی تحریم بر ایران را با استفاده الگوی چاذبه بررسی کرده اند. اثر تحریم تجاری بر ایران را حدود ۲۷ میلیون دلار و اثر تحریم مالی ایران را بین ۱۱۶۰ تا ۱۳۲۱ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع کل هزینه های تحریم بر ایران را در دامنه ۱۱۷۸ الی ۱۳۴۸ میلیون دلار در سال ارزیابی می نماید. لذا نسبت هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ در حدود ۴/۱ الی ۴/۷ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی بین ۱/۶ الی ۱/۹ درصد و هزینه سرانه تحریم در حدود ۱۸/۵ الی ۲۱/۱ دلار برآورد می شود. همچنین آن ها نشان می دهند که با وجود هزینه های سنگین بر هر دو کشور تحریم کننده و تحریم شونده، سیاست های ایران تغییر نیافته است.

تحقیق دیگری که در موسسه اقتصاد بین الملل با استفاده از روش هزینه رفاه و الگوی رهبری قیمت آثار تحریم ها بر اقتصاد ایران برای دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۰ انجام شده است، اثر تحریم تجاری بر ایران را پانصد میلیون دلار و اثر تحریم مالی ایران را ۲۵۰ میلیون دلار در سال برآورد می کند و در مجموع کل هزینه های تحریم بر ایران را ۷۵۰ میلیون دلار در سال ارزیابی می نماید. از این رو نسبت به هزینه های تحریم به ارزش صادرات در سال ۲۰۰۰ برابر ۲/۶ درصد و نسبت به تولید ناخالص داخلی ۱/۰ درصد و هزینه سرانه تحریم ۱۲/۱ دلار برآورد می شود (Torbat, 2005).

1-Galtung

2-Chan

3-Petrescu

بهریزی فر (۱۳۸۳) در مطالعه ای به بررسی تحریم های یک جانبه آمریکا بر تجارت جهانی و بازار جهانی انرژی می پردازد. به نظر وی تحریم های یک جانبه آمریکا بر ایران علاوه بر تاثیر مستقیم بر کشور هدف، تاثیراتی بر اقتصاد جهانی و حتی کشور تحریم کننده دارد. آمریکا با اعمال این گونه تحریم ها علاوه بر ناخشنودی هم پیمانان خود، امنیت عرضه انرژی را با خطر مواجه ساخته و خود نیز هزینه هایی را، به صورت کاهش صادرات و از دست دادن بازارهای پر سود و نیز امکان سرمایه گذاری در ذخایر غنی این کشورها، متحمل شده است.

در خصوص اثرگذاری تحریم آفریقای جنوبی دو مطالعه توسط ریچاردسون (۱۹۸۶) و اسپاندا (۱۹۷۹) مبتنی بر رویکرد داده - ستانده انجام شده است. ریچاردسون مشاهده کرد که تحریم صادرات طلای آفریقای جنوبی، تاثیرات محدودی بر اشتغال استخراج طلای آفریقای جنوبی دارد. اسپاندا با فرض تحریم های چندجانبه و تنظیم سناریوی کاهش شدید در ستانده و اشتغال سیاه پوستان، به خصوص در بخش استخراج طلا می شود.

بررسی آثار تحریم های اقتصادی علیه ایران

در این قسمت تاثیرات تحریم های اقتصادی بر بخش های مختلف بررسی می شود. در مجموع اثرات تحریم را می توان در بخش های اصلی ذیل جست و جو کرد :

- ۱) صنعت انرژی
- ۲) تجارت خارجی
- ۳) صنعت بانکداری

تاثیرات تحریم اقتصادی بر بخش انرژی :

بزرگ ترین قرار داد نفتی ایران در سال ۱۳۵۲ با کنسرسیومی بود که شامل کمپانی های عظیم نفتی خارجی متشکل از ۲۸ شرکت نفتی آمریکایی و انگلیسی بود. فعالیت این شرکت در سال ۱۳۵۶ به اوج رسید و سرمایه ای به میزان ۲۰/۷ میلیارد دلار برای ایران به ارمغان آورد (زهرائی، ۱۳۷۶). اما با تیره شدن روابط ایران و ایالات متحده، از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) میلادی به بعد این کشور به ضربه زدن به اقتصاد ایران از روش های مختلف خصوصا تحریم سرمایه گذاری در بخش انرژی اقدام کرد. تحریم جدی در دهه ۱۹۹۰ مربوط به طرح سناتور آلفانسو داماتو رئیس کمیسیون بانکداری سنا در سال ۱۹۹۵ بود. بر اساس این طرح، در وهله اول تحریم های تجاری علیه ایران اجرا و در مرحله بعد، شرکت های خارجی از معامله با ایران منع شدند. هدف اصلی به غیر از این طرح قانونی، این بود که تحریم واحدهای خارجی که در زمینه محصولات انرژی با ایران وارد معامله می شدند، روشی موثر در جلب همکاری بین المللی برای منزوی کردن کشور به شمار می رفت؛ زیرا نفت رگ حیاتی ایران بود (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

چون صنعت نفت پایه ای ترین بخش اقتصاد ایران است و همیشه از موضوعات مورد نظر در تحریم های اقتصادی علیه کشورمان نیز بوده است. از این حیث آمریکا و تا حد زیادی در غرب، این اجماع شکل گرفته که نفت پاشنه آشیل اقتصاد ایران به حساب می آید (زهرائی، ۱۳۸۷).

بر اساس این قانون شرکت های آمریکایی و غیر آمریکایی از سرمایه گذاری سالیانه بیش از چهل میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران منع می شدند که در سال ۱۹۹۷ این مبلغ به بیست میلیون دلار کاهش یافت (دلیری، ۱۳۸۳). البته عمده واردات ایالات متحده از ایران تا قبل از سال ۱۹۹۵ مربوط به نفت خام و عمده صادرات آن نیز راکتورهای هسته ای، دیگ های بخار، اقلام فرهنگی، محصولات دارویی، تنباکو و ماشین آلات بوده است اما در سال ۲۰۰۶ عمده صادرات ایالات متحده به ایران فقط کتاب و عمده واردات آن فرش و کاشی بوده است (Iran Sanctions, 2007).

اما نکته جالب اینکه در همان ایام که طرح داماتو در حال بررسی بود، شرکت فرانسوی توتال برای توسعه میدان های نفتی «سیری» قراردادی به ارزش ششصد میلیون دلار با ایران منعقد کرد. این قرارداد در اصل به شرکت آمریکایی کونو کو پیشنهاد و بر اساس بیع

متقابل^۱ منعقد شده بود، اما در مارس ۱۹۹۵ این شرکت تحت فشار دولت آمریکا مجبور به برهم زدن این معامله شد. چند سال بعد با امضای قراردادی به ارزش دو میلیارد دلار برای توسعه میدان پارس جنوبی با کنسرسیومی متشکل از شرکت های توتال فرانسه، گاز پروس روسیه و پتروناس مالزی، اولین اقدام موثر و اساسی برای شکستن تحریم آمریکا ابراز بی توجهی به قانون فرامرزی تحریم ایران بود. پس از آن شرکت های « الف و آجیب » ایتالیا قراردادی به ارزش ۹۹۸ میلیارد دلار با شرکت ملی نفت ایران امضا کردند. در نوامبر ۱۹۹۹ شرکت رویال داچ شل قراردادی به ارزش ۴۵۱ میلیون دلار برای توسعه میدان های سروش و نوروز به امضا رساند و بدین ترتیب قرارداد جدید دیگری به امضا رسید. از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ نیز دولت ایران قراردادهایی را تقریباً به مبلغ بیست میلیارد دلار برای گسترش و توسعه منابع انرژی با شرکت های خارجی به امضا رسانده است، اگر چه بر اساس گزارش اداره حسابرسی کل ایالات متحده ابهاماتی از به اجرا درآمدن این قراردادهای وجود دارد. همچنین تقاضای روز افزون جهانی نفت، همراه با افزایش شدید قیمت نفت و ذخایر گسترده و غنی ایران موجب شده است که ایران در سال ۲۰۰۶، سود نفتی بالغ بر پنجاه میلیارد دلار به دست آورد (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

با وجود تحریم های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم ها اثر پذیر نبوده است و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می دهد. به طوری که طی سال های اخیر ایران توانسته است قرارداد توسعه ۱۰ میدان نفت و گاز و صادرات گاز به کشورهای مختلف به ارزشی بیش از ۶۱ میلیارد دلار به امضا برساند (اسماعیلی، ۱۳۸۷).

تاثیرات تحریم اقتصادی بر بخش تجارت :

وضعیت سرمایه گذاری خصوصی در ایران طی سال های ۱۹۷۰-۱۹۷۸ بیانگر این است که آمریکا، کشورهای صنعتی اروپا و ژاپن سهم عمده و قابل توجهی در سرمایه گذاری خصوصی در کشور ما داشته اند و تا سال ۱۹۷۳ آمریکا پیشتاز کشورهای یاد شده می باشد. یکی از قراردادهای بزرگ در زمان ریاست جمهوری فورد در ژوئن ۱۹۷۴ سفارش خرید تسلیحات نظامی از آمریکا بود. در اواخر سال ۱۹۷۴ پنتاگون تقریباً نیمی از صادرات اسلحه جهانی خود را به ایران فروخته بود (سجاد پور، ۱۳۷۶).

اما آمریکایی ها در فاصله سال های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۸، با برگزیدن سیاست خصومت با ایران سعی در تضعیف اقتصاد کشور داشته اند. اولین مورد این خصومت ها به اوایل سال ۱۹۷۹ برمی گردد که جیمی کارتر با فرمان اجرایی ۱۲۱۷۰ توانست دوازده میلیارد دلار از اموال ایرانیان را در ایالت متحده مسدود و واردات از این کشور را ممنوع کند که به قطع تمام روابط تجاری و سفرها به ایران انجامید. مصادره اموال طبق فرمان مذکور تبدیل به اهرم فشار مهمی در مذاکرات قرارداد ۱۹۸۱ الجزایر و به آزادسازی گروگان های آمریکایی منجر شد (استوارت، ۱۳۸۸).

همچنین بعد از تحریم سال ۱۹۹۵ و اعمال قانون داماتو، ایران به منظور کاهش مخاطرات ناشی از سیاست مهار دوجانبه موفق شد روابط بازرگانی خود را با غرب بهبود بخشد. به همین دلیل ایالات متحده درصدد برآمد تا با ترغیب صادرات کالاهای مصرفی به ایران، موجبات تضعیف نظام و به هدر دادن ارز کشور را فراهم آورد و این دقیقاً همان سیاستی بود که در طول جنگ سرد بر ضد اتحاد جماهیر شوروی سابق به کار گرفته شد. استفان گرومون، یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا در این باره گفته بود : « با اجرای این سیاست، تلاش می کنیم تا در تجارت واردات (صادرات) با ایران، پرداخت های نقدی را نسبت به کمک های بلندمدت و اعتباری برجسته کنیم. تجارت مبتنی بر پرداخت های نقدی موثرتر است؛ چرا که از یک سو رژیم ایران را مجبور می کند تا از ذخیره پولی اندک خود استفاده کند و در نتیجه اقتصاد ایران به تدریج زایل می گردد (استوارت، ۱۳۸۸).

کلینتون نیز در فرمان اجرایی شماره ۱۲۹۵۹ خود در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۴ (۶ مه ۱۹۹۵)، با استناد به اتهام های گذشته علیه ایران، تحریم هایی را وضع کرد و اجرای آن را الزامی کرد که موارد آن عبارت بودند از : ممنوعیت صادرات کالا، تکنولوژی و خدمات به ایران ممنوعیت هرگونه معامله نظیر واسطه گری یا به هر نحو دیگری از سوی اشخاص آمریکایی در مورد کالا و خدمات با منشاء ایرانی، ممنوعیت صادرات مجدد و معاملات بازرگانی که افراد آمریکایی از انجام آن ها بر حذر شده بودند. به این ترتیب افراد و شرکت

^۱-Buyback

های آمریکایی از انجام هر نوع تجارت با ایران اعم از نفتی و غیر نفتی بر حذر شدند و برای شرکت های متخلف تا ۵۰۰ هزار دلار جرائم کیفری تعیین شد (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

از این گذشته صادرات کالاها و خدمات آمریکایی به ایران، حق واسطه گری و تامین اعتبار این گونه معاملات نیز ممنوع اعلام شد. سیاست تحریم و مجازات اقتصادی آمریکا علیه ایران اگرچه به طور چشم گیری موجب تحدید دسترسی ایران به فناوری، تدارکات و اعتبارات غربی شد و وضعیت سخت اقتصادی (افزایش تورم، بیکاری و تنزل ارزش ریال) را برای ایران فراهم آورده بود، ولی در عمل نتوانسته بود به هدف اصلی خود دست یابد.

در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) آمریکا درخواست شرکت بوئینگ را برای فروش هواپیمای غیر نظامی به ایران به منظور گسترش فعالیت های پروازی هواپیماهای ایران رد کرد. در نتیجه این تصمیم، بوئینگ قرارداد نهمصد میلیون دلاری را از دست داد و شرکت هواپیمایی ایران از این زمان، درخواست خود را به کنسرسیوم هوا و فضا اروپایی ایرباس ارائه کرد. به این ترتیب در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) شرکت بی.بی. آمریکا مذاکره برای فروش تولیدات این کارخانه را رد کرد و به دلیل اینکه فناوری آن ممکن است دارای ماهیت دو منظوره باشد و در نتیجه به کاهش صد میلیون دلاری فروش این شرکت انجامید (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

این مجازات ها ایران را تشویق می کرد که راهبردهایی را برای متنوع کردن مسیرهای بازرگانی، پیدا کردن شرکای جدید اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تجارت با آمریکا ترغیب کند. صادرات آمریکا به ایران در سال ۱۹۹۳ برابر ۶/۶ میلیون دلار و در سال ۱۹۹۴ برابر با ۲۲۶ میلیون دلار بود (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷). کل منافع از دست رفته در این زمینه سالیانه صدها میلیون دلار برآورده شده است. ضمن آنکه ایران به آن دسته از کالاهای مورد نیاز خود منحصر در آمریکا تولید شده اند، از طریق صادرات مجدد از دبی دسترسی داشته است. تحریم های اقتصادی در سال های گذشته موجب شد تا کشاورزان آمریکایی سهم بزرگی را در بازارهای جهانی محصولات کشاورزی از دست بدهند؛ در حالی که کشورهای تحریم شده توانستند محصولات مورد نیاز خود را از سایر بازارهای جهان تامین کنند. تحریم صادرات مواد کشاورزی به ایران، عراق، لیبی، سودان و کره شمالی سالیانه پانصد میلیون دلار به آمریکا زیان وارد کرده است (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

از طرفی به دنبال تصویب قانون منع واردات از ایران در سال ۱۹۸۷ و قانون منع صادرات و سرمایه گذاری در ایران در سال ۱۹۹۵، تجارت ایالات متحده با ایران شدیداً کاهش یافت. قبل از سال ۱۹۸۷ (قانون منع واردات) تجارت ایالات متحده ۱۶ درصد از صادرات ایران را شامل می شد و پس از این ممنوعیت، سهم ایالات متحده به کمتر از ۱ درصد رسید. بر اساس اطلاعات تجزیه تحلیل شده تجارت بین الملل، ایران دو میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷، ۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ و یک میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ایالات متحده صادرات داشت. علاوه بر این واردات ایران از ایالات متحده تا قبل از قانون منع صادرات سال ۱۹۹۵، ۲ درصد و بعد از اجرای این ممنوعیت، به صفر رسید و کل صادرات ایالات متحده به ایران از مبلغ ۲۸۲ میلیون دلار به کمتر از چهارصد دلار در سال ۱۹۹۶، کاهش یافت. بررسی اطلاعات خزانه داری ایالات متحده حاکی است که کاهش صادرات و واردات با تغییرات چشمگیری در نوع کالاها همراه بوده است. برای مثال، اغلب صادرات ایالات متحده به ایران تا قبل از منع صادرات ۱۹۹۵ حاوی رآکتورهای هسته ای، دیگ های بخار، اقلام فرهنگی، محصولات دارویی، تنباکو و ماشین آلات بود و این در حالی است که پس از اجرای این قانون عمده صادرات ایالات متحده تنها به کتاب، خلاصه می شود. عمده واردات این کشور از ایران قبل قانون منع واردات ۱۹۸۷، نفت و در سال ۲۰۰۶ فرش و کاشی بوده است. از سال ۱۹۸۷ تا سال ۲۰۰۶ صادرات ایران از ۸/۵ میلیارد دلار به هفتاد میلیارد دلار افزایش یافته است، در صورتی که واردات ایران نیز از هفت میلیارد دلار به ۴۶ میلیارد رسیده است. رشد واقعی سالیانه صادرات ایران بین سال های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۶ حدود ۹ درصد بوده؛ در حالی که نرخ رشد صادرات ایران بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، در واکنش به افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۲، ۱۹ درصد برآورد شده است. دفتر کنترل دارایی های خارجی^۱ قانون منع سرمایه گذاری در واکنش و تجارت علیه ایران را از سال ۱۳۷۶ به بعد اجرا کرده است و مسئولیت بازرگاری و مجوز صادرات کالا به ایران را به عهده دارد. این دفتر می تواند مجازات های مدنی بالغ بر ۲۵۰ هزار دلار یا مبالغی برابر با مبلغ نقض تحریم را اعمال کند. تحریم های ایران شامل ۹۴ مورد مجازات مدنی

¹ -Office of Foreign Assets Control (OFAC) Department of The Treasury

است که این دفتر بین سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ بررسی کرده است. مجازات های مدنی نقض قانون منع سرمایه گذاری و تجارت می تواند از یک میلیون دلار برای گروه ها و بیست سال زندان برای افراد حقیقی اعمال شود^۱ (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).
قانون منع سرمایه گذاری و تجارت فوق الذکر، اشخاص (حقیقی و حقوقی) خارجی را که فناوری کالا و خدمات مندرج در لیست کنترل چندجانبه صادرات (ممنوعه) را به ایران انتقال می دهند شناسایی و تنبیه کرده است. از سال ۲۰۰۰ تقریباً نیمی از موارد تنبیهی (۵۲ مورد از ۱۱۱ مورد) مربوط به گروه های چینی و به ترتیب ۹ و ۷ مورد به گروه های کره شمالی و روس اختصاص دارد. در سال ۲۰۰۷ شرکت های سوری نیز در هشت مورد، تحریم شده اند.
بررسی ها نشان می دهد که صادرات دیگر کشورها به ایران مشتمل بر کالاهای دو منظوره و حساس از جمله جنگ افزار، هواپیما و تجهیزات و فناوری هسته ای است (کالاهایی که طبق قانون ایالات متحده صادرات آن ها به ایران ممنوع است). طبق اطلاعات تجاری سازمان ملل، روسیه و اسپانیا از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ حدود ۲۸/۹ میلیون دلار قطعات رآکتور هسته ای (که سهم روسیه بالغ بر ۸۹ درصد است) به ایران صادر کرده اند. این در حالی است که ایران قطعات یدکی جت های جنگنده F-16 را به عنوان قطعات مازاد، به فروش می رساند (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

همچنین از سال ۲۰۰۷ به بعد و با تشدید تحریم ها قیمت کالاهای سرمایه ای (ماشین آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافته، در حالیکه نرخ تورم در این کشورها بین ۱ الی ۳ درصد بوده است و با وجود کاهش وزن واردات کشور، متوسط ارزش واردات افزایش یافته است. برای مثال در سال ۱۳۸۷ متوسط قیمت هر تن واردات نسبت به سال ۱۳۸۶ به میزان ۸/۵ درصد رشد کرده که بالاتر از متوسط نرخ تورم کشورهای اروپایی است. همچنین ارزش واردات طی دوره مذکور ۱۷ درصد رشد داشته اما از لحاظ وزنی ۴/۱ درصد کاهش یافته است. از این رو متوسط قیمت تمام شده هر تن واردات نیز در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ به رغم رکود جهانی حدود ۱۴ درصد رشد داشته است. لذا تحریم های اقتصادی موجب افزایش هزینه واردات شده است (در سال ۱۳۸۶ ارزش واردات معادل ۴۸۴۳۹ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۱۳۸۵ به میزان ۴/۱ درصد کاهش یافته است. همچنین متوسط قیمت هر تن کالای وارداتی در سال ۱۳۸۷ معادل ۱۲۶۹/۸ دلار و در سال ۱۳۸۶ معادل ۱۱۶۱/۷ دلار بوده است) (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

تاثیرات تحریم اقتصادی بر سیستم های بانکداری :

اغلب شعب بانک های ایرانی در خارج از کشور وظیفه تسهیل امور تجاری و خدمات رسانی به تجار ایرانی و کشورهای طرف معامله با ایران را ایفا می کنند. این بانک ها تا قبل از سال ۲۰۰۶ تاثیر کمتری نسبت به سایر بخش های اقتصادی از تحریم اعمال شده بر اقتصاد ایران پذیرفته بود. اما از دسامبر ۲۰۰۶ به بعد با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت علیه ایران، دولت های فرانسه، آلمان و ایتالیا، به برکناری روسای شعبه های بانک سپه در این کشورها و انتصاب روسای جدید اقدام کردند. کمیته بانکی اداره سرپرستی بانک های فرانسوی، در اقدامی خودسرانه، با برکناری « محمد A » رئیس بانک سپه شعبه فرانسه، شخصی به نام « آلن باشلو » را به جای وی منصوب کردند.

بر اساس اطلاعیه منتشر شده در روزنامه رسمی لوموند فرانسه در تاریخ ۱۳۶۸/۰۱/۲۸، باشلو از ۱۶ مارس ۲۰۰۷ (۲۵ اسفند ۱۳۸۵) تا ۳۰ ژوئن ۲۰۰۷ (۹ تیر ۱۳۸۶) با انتقال تمامی اختیارات رئیس پیشین به وی، ریاست این شعبه را بر عهده داشته است. بانک مرکزی ایتالیا نیز در اقدامی مشابه، با برکناری رئیس ایرانی شعبه بانک سپه در ایتالیا و جایگزینی دو کمیسر ایتالیایی به جای وی، ریاست آن را به اداره ای خصوصی منتقل کرد.

دولت آلمان نیز با مسدود کردن همه اعتبار نامه های جاری و انتقالی بانک سپه در این کشور، رئیس آن را برکنار کرده است. پیش از این نیز وزارت خزانه داری آمریکا با مسدود کردن حساب های بانک سپه در این کشور، هرگونه معامله بین موسسات آمریکایی با این بانک ایرانی را به اتهام حمایت این بانک از خریدهای نظامی ممنوع اعلام کرده بود. شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه

¹ -International Emergency Economic Power Act (IEEPA) (قانون اختیارات فوق العاده اقتصاد جهانی)

۱۷۳۷ علیه برنامه هسته ای ایران، دو موسسه « بانک سپه » و « بانک بین المللی سپه » را به علت آنچه حمایت از برنامه هسته ای، موشکی و فضایی ایران خوانده بود، تحریم کرد.

همچنین وزارت دارایی آمریکا به بهانه حمایت از تروریسم و حزب ا... لبنان، بانک صادرات ایران را در سپتامبر ۲۰۰۶ تحریم کرد، همچنین وزارت دارایی آمریکا در ژانویه ۲۰۰۷ نیز به بهانه حمایت از سلاح کشتار جمعی تحریم بانک سپه را آغاز کرد. بر اساس قطعنامه ۱۷۴۷ نیز که در مارس ۲۰۰۷ به تصویب شورای امنیت رسید، وزارت دارایی آمریکا در ژوئن همان سال بانک ملی ایران را تحریم اقتصادی کرد. در نهایت بر اساس قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت علیه ایران در یازده سپتامبر ۲۰۰۸ دولت و کنگره آمریکا در ۲۳ اکتبر همان سال تحریم بانک توسعه صادرات ایران را تصویب کرد.

مجموعه تحریم های متعدد و مکرر فوق در فاصله زمانی کوتاه مدت ابتدا باعث شد دارایی های بانک های ایرانی در بانک های خارجی حدود یک میلیارد دلار ضبط شود (خصوصا وجوه اعتبارات استادی، حواله های ارزی و ...). اما بانک های ایرانی با درایت و با طرح دعوی حقوقی کم کم خود را نسبت به اثرهای این تحریم ها پوشش دادند.

برای مثال کشورهای اروپایی که ابتدا با استناد به دستورالعمل شمار ۴۲۳/۲۰۰۷ شورای اتحادیه اروپا ضمن انتخاب یک نفر ناظر بر امور جاری شعب بانک ملی رسماً توقف عملیات و مسدود شدن دارایی های این بانک را صادر کرده بودند، با پیگیری حقوقی بانک ملی در مراحل بعدی بی گناهی این بانک ثابت شد و دولت بریتانیا و اتحادیه اروپا با اذعان به اشتباهات خود موافقت خود را با آزادی بیش از ۵۰ درصد دارایی های توقیف شده ملی بانک لندن اعلام کردند.

از طرفی بانک صادرات ایران نیز با وجود اعمال تحریم های متعدد بر این بانک، با درایت مدیریت بهینه توانسته است تعهدات بین المللی خود را ایفا کند، هرچند طی سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ برخی از دارایی های این بانک که عمدتاً حواله های ارزی، اعتبارات اسنادی و سفته های ارزی است، در بانک های فرانکفورت، سیتی بانک لندن و بانک پی.ال.سی لندن توقیف شده است (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۹).

بانک توسعه صادرات نیز جزء بانک هایی است که از تحریم اقتصادی در امان نماند و تعدادی از حواله های مشتریان این بانک به هنگام ارسال و دریافت در بانک های واسط آمریکایی در سال ۱۳۸۶ توقیف شد. بررسی ریسک بخش بانکی ایران در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، نشان می دهد که رتبه ریسک این بخش از اقتصاد طی دوره مذکور تغییر نکرده است (عباسی، ۱۳۸۷) و تحریم های اعمال شده اثر گذاری کمتری داشته اند.

در مجموع می توان گفت هرچند اعمال تحریم های پی در پی و در فاصله زمانی کوتاه، موجب اثر پذیری نظام بانکی از این تحریم های مالی شده است، اما به مرور زمان بانک های ایرانی با برنامه ریزی و مدیریت بهینه این تحریم ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده اند و اجازه نداده اند وجه بین المللی آن ها دچار آسیب شود.

نتیجه گیری

۱. علی رغم تحریم های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم ها اثر پذیر نبوده است و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می دهد. به طوری که طی سال های اخیر ایران توانسته قرارداد توسعه ۱۰ میدان نفت و گاز صادرات گاز به کشورهای مختلف به ارزشی بیش از ۶۱ میلیارد دلار را به امضا برساند و در سال ۲۰۱۰ نیز توافق نامه خط لوله صلح را با پاکستان امضا کرده است.

۲. پس از سال ۲۰۰۷ با تشدید تحریم ها قیمت کالاهای سرمایه ای (ماشین آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافته است، در حالی که نرخ تورم در این کشورها بین ۱ الی ۳ درصد بوده و علی رغم کاهش وزن واردات کشور، متوسط ارزش واردات افزایش یافته است. برای مثال در ۱۳۸۷ متوسط قیمت هر تن واردات نسبت به ۱۳۸۶ به میزان ۸/۵ درصد رشد کرده که بالاتر از متوسط نرخ تورم کشورهای اروپایی است. همچنین ارزش واردات طی دوره مذکور ۱۷ درصد رشد داشته است اما از لحاظ وزنی ۴/۱ درصد کاهش یافته است. همچنین متوسط قیمت تمام شده هر تن واردات نیز در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ علی رغم رکود جهانی دارای ۱۴ درصد رشد بوده، از این رو تحریم های اقتصادی موجب افزایش هزینه واردات شده است.

۳. هرچند اعمال تحریم های پی در پی و در فاصله زمانی کوتاه، موجب اثر پذیری نظام بانکی از این تحریم های مالی شده است، اما به مرور زمان بانک های ایرانی با برنامه ریزی و مدیریت بهینه این تحریم ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده اند و اجازه نداده اند وجهه بین المللی آن ها دچار آسیب شود؛ هرچند تجار و بازرگانان ایرانی به دلیل وجود محدودیت در اعتبارات اسنادی، حواله ها و ضمانت نامه ها دچار مشکلات فراوانی شده اند، اما تجارت ایران هرگز از فعالیت خود باز نایستاده است.

چند توصیه سیاستی برا مقابله با اثرات تحریم های احتمالی :

- تلاش برای گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای نوظهور: تلاش برای گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورها و اقتصادها نوظهور نظیر برزیل، هند و چین در راستای تنوع بخشی به کشورها در تامین نیازهای اقتصادی کشور و کاهش وابستگی به اتحادیه اروپا.
- رهایی از وابستگی به صادرات محصولات خام : تلاش به رهایی از وابستگی به صادرات محصولات خام و بومی سازی تکنولوژی تولید کالاها و محصولات واسطه ای و سرمایه ای به منظور کاهش واردات این نوع کالاها.
- مشارکت فعال در سازمان ها و کنفرانس های بین المللی : تلاش برای ارائه تصویری غیر از آنچه که ایالات متحده، لابی صهیونیستی و متحدین غربی آن ها درباره ایران مطرح می کنند، با برگزاری و مشارکت در سازمان ها و کنفرانس های بین المللی و امضای توافق نامه ای اقتصادی و تجاری با کشورهای شرکت کننده.

منابع و ماخذ

- ♦ استوارت ای. ایزنشتات، (۱۳۸۵)، "آیا تحریم های اقتصادی اثر بخش هستند؟"، سپیده ابراهیمی و مهسا دادار (مترجمان)، موسسه مطالعاتی تدبیر اقتصاد، سلسله گزارش های بررسی تحریم، شماره ۱۲.
- ♦ اسماعیلی، بابک، (۱۳۸۷)، "شکست تروریسم مالی غرب علیه ایران".
- ♦ بهروزی فر، مرتضی، (۱۳۸۳)، "اثرات تحریم های یک جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالات متحده و بازارهای جهانی انرژی"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۳.
- ♦ دلیری، جواد، (۱۳۸۳)، "ارزیابی سیاست تحریم اقتصادی دولت آمریکا علیه ایران (چهار سال دیگر بر مدار تحریم)".
- ♦ زهرائی، مصطفی، (۱۳۷۶)، "تحریم اقتصادی از نظر تا عمل"، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.
- ♦ زهرائی، مصطفی، (۱۳۸۷)، "مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران : موانع و چالش های نفت ایران"، مجله بررسی مسائل اقتصاد انرژی، سال اول، شماره ۲.
- ♦ سجادیپور، سید محمد کاظم، (۱۳۷۶)، "ارزیابی مهار دوگانه : چهارگانه متفاوت"، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره ۱.
- ♦ صادقی یارندی، سیف اله و مسعود طارم سری، (۱۳۸۵)، "فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجاری بین الملل و سازمان جهانی تجارت"، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، انتشارات چاپ و نشر بازرگانی.
- ♦ عباسی، منصوره، (۱۳۸۷)، "بررسی برآورد ریسک ایران در گزارش دسامبر سال ۲۰۰۸ موسسه اکونومیست"، فصلنامه اکونومیست، تهران، موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، شماره ۴۱.
- ♦ عزیز نژاد، صمد و سید محمد رضا سید نورانی، (۱۳۸۹)، "بررسی آثار تحریم بر اقتصاد ایران با تاکید بر تجارت خارجی".
- ♦ مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۷)، "مشخص نبودن تاثیر تحریم های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران و لزوم بازبینی آن"، نجمه رضایی نیک (مترجم)، گزارش شماره ۸۹۳۴.
- ♦ موسسه تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۷)، "تحریم اقتصادی، آثار و پیامدها، سیاست ها و راهکارها".



♦ - یآوری، کاظم و رضا محسنی، (۱۳۸۹)، "آثار تحریم های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی"، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱.

- ♦.Alikhani, H., (2000), "Sanctioning Iran, I. B. Tauris", New York.
- ♦.Amuzegar, J., (1997), "Adjusting to Sanctions", Foreign Affairs, 7.
- ♦.Askari, H. and et. al, (2003), "Economic Sanctions : Examining Their Philosophy and Efficacy", Praeger, Westport, CT.
- ♦.Askari, H. Forrer, J. Teengen, H and Yang, J., (2001), "US Economic Sanctions: Lessons from the Iranian Experience", Business Economics.
- ♦.Bergeijk, V and Petter A. G., (1989), "Success and Failure of Economic Sanctions", Kyklos, vol. 42.
- ♦.Chan, S and Drury, A., (2000), " Sanctions as Economic Statecraft : Theory and Practice ", St. Martins.s Press, LLC, New York.
- ♦.Clawson, P., (1998), "Council on Foreign Relations", in R. N. Haass (ed), Economic Sactions and American Diplomacy.
- ♦.Cortright, D and Lopez, G. A., (1995), "Sanction sara, an Alternative to Military Intervention ", The Flecher Forum.
- ♦.Cortright, D and Lopez, G. A., (2002), "Smart Sanctions:Targeting Economic Statecraft ", Rowman & Ljtlefield, Lanham, MD.
- ♦.Hufbauer, G. Schott, J and Elliot, K., (1990), "Economic Sanctions Rconsidered : History and Current Policy" , 2nd ed., Institute for International Economics, Washington DC.
- ♦.Iran Sactions : Impact in Furthering U.S. "Objectives in Unclear and should be Reviewed " , the Government Accountability Office (2007).
- ♦.Merom, J., (1990), "Democracy, Dcpendecy, And Destabilization : The Shaking of Alende ' s Rcgime", Political Science Quarterly, vol. 105.
- ♦.Petrecu, I. M., (2008), "Rethinking Economic Sanction Success : Sanctions as Deterrents ", Workind Paper, American Enterprise Institute.
- ♦.Richardson, W., (1986), "Impacts of the US Import Sanctions against South Africa : Kenwyn", Washington Dc : Howard University, Unpublished Manuscript.
- ♦.Spandau, A., (1979), "Economic Boycott Against South Africa : Kenwyn", Republic of South Africa : Juta and Comany.
- ♦.Torbat, A. E., (2005), "Impacts of the US Trade and Financial Sanctions on Iran", World Economy 28(3).